

چکیده

آموزش و پرورش کلید فتح آینده است و ازدیر باز انتظار از آموزش و پرورش آن بوده که انسان های فردا را تربیت کند و نسل امروز را برای زندگی در جامعه ی فردا آماده سازد. بنابر این ضرورت دارد برنامه ریزان و سیاست گذاران آموزشی، معلمان و مسئولان آموزش و پرورش، الزامات و مقتضیات زندگی فردا را بشناسند تا بتوانند دانش و بیش لازم را در کودکان و جوانان برای فعالیت در جامعه ی فردا را پرورش دهند.

در راستای این سیاست، شناسایی ویژگی های آموزش و پرورش کارا و اثر بخش از اهمیت خاصی برخوردار است. مقاله حاضر در صدد شناخت ابعاد آموزش و پرورش کشور ایران با دیگر کشور های اروپایی (سوئیس) نگاشته شده که پس از ذکر مقدمه مطالبی پیرامون سیر تحول و آموزش و پرورش کنونی ۲ کشور مذکور و سپس مقایسه ی آن ها و ارائه ی راهکارهایی واقع بینانه و عملی جهت بهبود آموزش و پرورش کشورمان شده است.

واژه های کلیدی: آموزش و پرورش - معلمان - مقایسه - ارتباط - تحول - دانش آموزان - پیشرفت

مقدمه (آموزش و پرورش ایران)

آموزش و پرورش مدرن و معاصر در ایران به قدمتی تقریباً یکصد ساله، بخش مهمی از منابع این دوره از تاریخ کشورمان را به خود اختصاص داده است علی رغم اینکه در این نظام یکی از اصیل ترین و وسیع ترین قشر فرهنگی تاریخ، یعنی معلمان، شرکت داشته اند و همه نهادها، گروهها و آحاد جامعه به نوعی در تحقق اهداف آن مشارکت دارند، با این وجود اکنون بفرنج ترین مشکلات و چالش ها مواجه می باشد، به گونه ای که بسیاری از محققان و اندیشمندان جامعه، ریشه اغلب مشکلات، نا به سامانی ها و نارسایی ها را در سیستم و فرایند آموزشی جستجو می کنند.

آموزش و پرورش یکی از نهادهای اصلی جامعه است که تعلیم و تربیت و ساختن انسان مطلوب و مؤثر را در جامعه بر عهده دارد، برای پرورش افراد مطلوب، نیاز به یک نظام آموزشی کار آمد است که اجزا و عناصر آن اعم از مواد درسی، دانش آموز، معلم، وسایل آموزشی، فضا... با یکدیگر در ارتباط اند تا اهداف مورد نظر تحقق یابد. از طرف دیگر، تدریس و آموزش از نظر ماهیت و نظام ارتباطی متقابل است و در مدرسه به سان گره پویایی، در صدد آماده کردن افراد برای ورود به جامعه در سطح بسیار گسترده تری است. کلاس درس نیز به عنوان یک گروه اجتماعی و کوچکترین خرده سیستم اجتماعی در نظام آموزشی دارای خصوصیات و ویژگیهای منحصر به فردی است که آن از سایر سازمانها و نهادهای اجتماعی متمایز می کند.

تاریخ تحول آموزش و پرورش ایران

سوابق تعلیم و تربیت آدمی نشان میدهد که به علت ناچیز بودن مجموعه ی میراث اجتماعی و ساده بودن ارتباطات انسانی آموزش و پرورش به وسیله خانواده ها و بیشتر به صورت غیر عمدی انجام گردیده است. با گسترده شدن دامنه دانش ها و مهارت های بشری و توسعه فرهنگ و تمدن های مختلف افزایش جمعیت تراکم نفوس در شهرها و روستاها رفته رفته نوعی دخالت آگاهانه در جریان انتقال فرهنگ و تمدن به کودک و نوجوانان ضروری شمرده شده و ضمن توجه به تربیت غیر عمدی پدید آمد و سالمندان با توجه به مقاصد معین به پرورش خردسالان پرداختند و برای انجام دادن وظایف تعلیم و تربیت به صورت رسمی و عمدی طبق ضوابطی به تدریج سازمان های متعددی را ایجاد کردند. بهترین سازمان ها از صدر اسلام تا کنون عبارتند از خانواده. مسجد. مکتب و مدرسه.

سیر تحول تشکیلات آموزش و پرورش

۱. در سال ۱۲۳۲ هجری شمسی و به دنبال تاسیس دارالفنون اولین بار وزارتخانه های به نام وزارت علوم تأسیس گردید.

۲. در سال ۱۲۸۸ هجری شمسی نام وزارت علوم به وزارت معارف اوقاف و صنایع مستظرفه تغییر یافت.

۳. در سال ۱۳۱۷ هجری شمسی وزارت مذکور به نام وزارت فرهنگ خوانده شد.

۴. در سال ۱۳۴۳ هجری شمسی بر اساس قانون صرفاً امور آموزش و پرورش پیش‌دانشگاهی و دانشگاهی به وزارت آموزش و پرورش محول گردید.

۵. در سال ۱۳۴۶ هجری شمسی به موجب قانون کلیه امور مربوط به دوره‌های تحصیلی مربوط به دوره‌های تحصیلی پیش‌دانشگاهی به عهده وزارت آموزش و پرورش گذاشته شد.

۶. در سال ۱۳۶۶ قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش در ۴ فصل ۱۳ ماده و ۹ تبصره تصویب گردید.

انواع مدارس و مراکز آموزشی موجود:

۱- مدارس دولتی ۲- مدارس غیرانتفاعی ۳- مدارس استثنایی ۴- مدارس آموزشگاه‌های آزاد ۵- مدارس وابسته به وزارتخانه‌ها ۶- مدارس خارجی ۷- مدارس تطبیقی ۸- مدارس اقلیت‌های مذهبی ۹- مدارس شاهد و مدارس نمونه ۱۰- مدارس شبانه ۱۱- مؤسسات تربیت معلم ۱۲- دوره‌های کاردانی کارشناسی و کوتاه‌مدت

تاریخچه سازمان مدارس به سبک جدید در ایران

۱. تاسیس دارالفنون در سال ۱۲۲۸ (ه. ش) و آغاز معرفی نظام مدارس در ایران

۲. در قانون فرهنگ مصوب ۱۲۹۰ (ه. ش) آمده است که مدارس و مکاتب چهار نوع است: الف. مدارس ابتدایی روستایی ب. مدارس ابتدایی شهری ج. مدارس متوسطه د. مدارس عالی

۳. در سال ۱۳۱۳ دوره‌های تحصیلی ایران شامل دوره ابتدایی (۶سال)، اول متوسطه (۳سال)، دوم متوسطه (۳سال) بوده است.

۴. در قانون سال ۱۳۲۲ (ه. ش) دوره‌های تحصیلی عبارت بوده است از:

الف - آموزش ابتدایی (۶سال)

ب- دوره متوسطه (دو دوره سه ساله که دوره اول عمومی و دوره دوم به بخش نظری و فنی و حرفه ای تقسیم شده است)

۵. از سال ۱۳۴۵ لغایت ۱۳۷۰ شامل دوره‌های کودکان (۲-۳ سال) دبستان (۵ سال) راهنمایی تحصیلی (۳ سال)، دوره متوسطه (۴ سال) و تحصیلات عالی بر حسب مورد (۲-۷ سال)

۶. از سال ۱۳۷۰ (ه. ش) تاکنون دوره متوسطه عمومی، فنی و حرفه‌ای به مدت ۳ سال و دوره پیش‌دانشگاهی به مدت یک سال مصوب گردیده است.

برخی از وظایف وزارت آموزش و پرورش

۱. تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش

۲. تشکیل شورای منطقه‌ای که حدود و وظایف و اختیارات آن به تصویب مجلس خواهد رسید.

۳. تهیه و پیشنهاد برنامه‌های میان مدت و بلند مدت در جهت تأمین اهداف آموزش و پرورش ۴. هماهنگی با وزارتین فرهنگ و آموزش عالی و بهداشت و درمان و آموزش پزشکی و سایر دستگاه‌هایی که به نحوی در امر آموزش دخالت دارند در جهت هماهنگ ساختن آموزش‌ها در چهار چوب نظام آموزش کشور

۵. زیر پوشش قرار دادن کلیه کودکان لازم‌التعلیم و تقویت نهضت سواد آموزی کارکنان وزارت آموزش و پرورش به منظور ارتقا سطح توانایی شغلی آنها

۷. تأمین نیروی انسانی آموزش و پرورش از طریق ایجاد دانشسراها و مراکز تربیت معلم

۸. تأمین آموزش و پرورش رایگان برای همه مردم تا پایان دوره متوسطه

۹. تألیف و چاپ و توزیع کتاب‌های درسی و نشریات کمک آموزشی

۱۰. ارتباط مستمر با اولیا دانش آموزان و استمداد از آنها در تعلیم و تربیت

۱۱. نظارت بر اجرای صحیح و دقیق کلیه آیین‌نامه‌ها و سنجش و ارزیابی نتایج حاصله از برنامه‌ها

آموزش و پرورش در ایران

آموزش در ایران باستان

در فلات ایران، دست کم از پانزده هزار سال پیش، انسان زندگی می‌کرده است. دربارهٔ چگونگی آموزش و پرورش مردمانی که پیش از آریایی‌ها در این سرزمین زندگی می‌کردند آگاهی چندانی در دست نیست.

نزدیک به چهار هزار سال پیش، آریایی‌ها و از آن جمله مادها، پارسی‌ها و پارتی‌ها به سرزمین ایران مهاجرت کردند. مادها در غرب و پارسی‌ها در جنوب و پارتی‌ها در شرق فلات ایران ماندگار شدند و حکومت‌هایی تشکیل دادند. مادها در حدود هفصد سال پیش از میلاد در سرزمین‌های غرب ایران چیره شدند و دولت ماد را بنیان گذاشتند. در دورهٔ مادها، کودکان و نوجوانان راه و رسم زندگی و کار و جنگاوری را در خانه و ایل می‌آموختند. آموزش رسمی مخصوص روحانیان بود. روحانیان، گذشته از خواندن و نوشتن، اصول و مراسم دینی، اختر شناسی و شیوه‌های پیشگویی سرنوشت دیگران را در مراکز دینی فرا می‌گرفتند. مردم دیگر از خواندن و نوشتن بی‌بهره بودند. مادها خطی شبیه خط میخی داشتند. در دوران هخامنشی، آموزش رسمی ویژهٔ روحانیان زرتشتی (موبدان)، شاهزادگان و دولت‌مردان بود. اما چون در آیین زرتشت آموزش و پرورش به مانند زندگی مهم شمرده شده بود، مردم ایران به پیروی از گفتار حکیمانهٔ زرتشت، یعنی پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک، اخلاق و مهارت‌های سودمند را به فرزندان خود آموزش می‌دادند. در آن زمان آتشکده‌ها جایگاه رسمی آموزش بودند و موبدان علاوه بر درس‌ها مذهبی، پزشکی، ریاضی و اخترشناسی نیز درس می‌دادند.

نخستین دانشگاه

در دوره ساسانی فرهنگ و تمدن ایرانی به شرق و غرب گسترش یافت. اما هنوز هم آموزش به گروهی خاص محدود می‌شد. در این دوران مهم‌ترین مرکز علمی و آموزشی دوران باستان، دانشگاه جندی‌شاپور، در شهر گندی‌شاپور به وجود آمد. این شهر را شاپور ساسانی بنیان نهاد و تا حدود قرن چهارم پس از اسلام آباد بود. در دانشگاه گندی‌شاپور دانشمندان ایرانی در کنار

دانشمندان هندی، یونانی و رومی به فعالیت علمی و بحث و گفت و گو مشغول بودند. وقتی مدرسهٔ آتن در سال ۵۲۹ میلادی بسته شد، بسیاری از دانشمندان یونانی به گندی شاپور مهاجرت کردند. در زمان خسرو انوشیروان بیمارستانی در این شهر ساخته شد و آموزش طب ایرانی، یونانی و هندی رونق گرفت.

آموزش در دوران قاجار

در دوران قاجار جنگ‌های ایران و روس رخ داد که با شکست ایرانیان و از دست رفتن بخش‌های زیادی از ایران همراه بود. البته آن شکست دردناک باعث شد که دولت‌مردان دلسوز و فرهیختگان جامعهٔ آن روز به علت شکست ایرانیان آگاه شوند که همانا بی‌خبری از دانش و فن آن روزگار بود. از این رو، در سال ۱۲۳۱ هجری قمری، ۵ نفر دانشجو به انگلیس فرستاده شد؛ نخستین چاپخانهٔ سری در ۱۲۲۷ هجری قمری در تبریز به کار افتاد؛ نخستین روزنامه را میرزا صالح، از دانشجویان فرستاده شده به انگلیس، به نام کاغذ اخبار در ۱۲۵۳ هجری قمری منتشر کرد؛ و نخستین مدرسه به شیوهٔ امروزی با همت میرزا حسن خان رشدیه در ۱۲۵۴ هجری قمری در ارومیه و در سال بعد در تبریز کار خود را آغاز کرد.

بنیان‌گذاری دارالفنون

دارالفنون مرکز آموزشی دانش و فن نوین بود که در سال ۱۲۳۱ هجری شمسی با تلاش میرزا تقی‌خان امیرکبیر در تهران بنیان‌گذاری شد. نخستین معلمان این مدرسه، اروپایی و بیش‌تر اتریشی بودند. نخست صد نفر فراگیر از میان فرزندان اشراف و بزرگان دولتی برای تحصیل در آن انتخاب شدند که در رشته‌های نظامی، پزشکی، داروسازی، معدن و مهندسی به تحصیل مشغول شدند. دارالفنون آزمایشگاه فیزیک، شیمی و داروسازی و کارخانهٔ شیشه و بلور و شمع‌سازی و چاپخانه داشت و فراگیران علاوه بر مطالعهٔ نظری، به فعالیت‌های عملی نیز می‌پرداختند. برای مثال، مسیو کرشیش اتریشی، که معلم توپخانه و ریاضی بود، به کمک دانش‌جویان خود دستگاه فرستندهٔ تلگراف ساخت که آغازی برای گسترش ارتباط از راه دور در کشور بود.

آموزش و پرورش نوین

بر اساس قانون اساسی ایران، آموزش و پرورش برای همهٔ کودکان و نوجوانان ایرانی تا دورهٔ متوسطه رایگان است و دولت وظیفه دارد امکان تحصیل را برای همگان از طریق وزارت آموزش و پرورش فراهم سازد. نظام آموزشی ایران دارای دورهٔ ابتدایی (پنج سال) دوره راهنمایی (سه سال) دوره متوسطه (سه سال) و دورهٔ پیش‌دانشگاهی است. علاقه‌مندان به کارهای عملی و فنی مهارت‌های لازم را در

هنرستان‌ها و آموزشگاه‌های کار و دانش می‌گذرانند. دانش‌آموختگان دوره پیش‌دانشگاهی در صورت موفقیت در آزمون‌های سراسری (کنکور)، به دانشگاه‌ها وارد می‌شوند.

آموزش ابتدایی در ایران

آموزش ابتدایی: مشتمل بر دوره آموزشی ۵ ساله ویژه کودکان رده‌های سنی ۶ تا ۱۱ سال می‌باشد.

اهداف مقطع آموزش ابتدایی

از جمله مهمترین اهداف مقطع آموزش ابتدایی می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- برقراری فضای مناسب آموزشی جهت پیشرفت اخلاقی و اعتقادی دانش‌آموزان

۲- پرورش استعدادها و خلاقیت‌های کودکان

۳- بهبود قدرت بدنی و جسمانی کودکان

۴- آموزش خواندن، نوشتن، محاسبه و برقراری معاشرت اجتماعی با سایر اعضاء اجتماع

۵- آموزش مسائل بهداشت فردی و گروهی

برنامه های آموزشی

از جمله مهمترین برنامه های آموزشی مقطع آموزش ابتدایی می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

علوم قرآنی و تعلیمات دینی انشاء و املاء فارسی

زبان فارسی (خواندن و درک مطلب)

تعلیمات اجتماعی

علوم هنری (نقاشی،خطاطی، کاردستی)

علوم طبیعی و بهداشت

علوم ریاضی

ورزش و تربیت بدنی

دروس مذکور در هفته ۲۴ ساعت ارائه شده و زمان هر کلاس درس ۴۵ دقیقه می باشد.

مدت زمان دروس آموزشی مقطع آموزش ابتدایی

مواد درسی	کلاس اول	کلاس دوم	کلاس سوم	کلاس چهارم	کلاس پنجم
قرآن	۱	۲	۲	۲	۲
تعلیمات دینی	-	۲	۲	۲	۲
انشاء فارسی	-	۲	۲	۲	۲
املاء	۳	۳	۲	۲	۲
فارسی (خواندن و درک مطلب)	۸	۴	۴	۳	۳
تعلیمات اجتماعی	-	-	۲	-	-
هنر (نقاشی ، خطاطی ، کاردستی)	۲	۲	-	۴	۴
علوم طبیعی و بهداشت	۳	۲	۴	۳	۳
ریاضی	۵	۵	۴	۴	۴
ورزش	۲	۲	۲	۲	۲
مجموع ساعات هفتگی	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴

اهداف کیفی آموزش ابتدایی

از جمله مهمترین اهداف کیفی مقطع آموزش ابتدایی می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- اعمال تغییرات ساختاری در نظام آموزشی مطابق با نیازهای واقعی جامعه و برنامه توسعه جهانی به منظور رشد کیفیت و نرخ بهره وری داخلی آموزش و پرورش

۲- ارائه آموزشهای پایه به کودکان استثنایی

۳- اصلاح ساختار اداری و روشهای اجرایی حوزه آموزش

سیاستها، استراتژی ها و اولویت های مقطع آموزش ابتدایی

از جمله مهمترین سیاستها، استراتژی ها و اولویت های مقطع آموزش ابتدایی می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- اصلاح و تغییر ساختار نظام آموزش ملی مطابق با نیازهای جامعه و توسعه، ارتقا کیفیت و کارائی برنامه های آموزشی مقطع آموزش ابتدایی با رجوع به اسلام، قرآن و سنت پیامبر (ص) در جهت گنجاندن ارزشهای روحی و معنوی در برنامه های آموزشی

۲- توجه به قوانین، برقراری همکاریهای گروهی، تعهد به مشارکت در موضوعات سیاسی اجتماعی، توجه به موضوع سلامت روانی کودکان

۳- برقراری هماهنگی میان سیاست های فرهنگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مورد پذیرش وزارت آموزش و پرورش با سایر سیاستگذاران ملی

۴- کاهش نرخ ترک تحصیل و ایجاد علاقه و انگیزه ادامه تحصیل در میان کودکان از طریق اولویت دادن به اجرای سیاست غلبه بر مشکلات و کمبودهای آموزشی مقطع آموزش ابتدایی با توجه به تفاوت های قومی و فرهنگی

۵- اعمال سیاستهای انعطاف پذیر در اجرای متدهای متفاوت آموزشی و بهره گیری از نیروی انسانی، فضا، ابزارها و امکانات آموزشی در جهت پاسخگویی به نیازمندیهای محلی مطابق با نوع و سطح آموزش، جنسیت، میزان علاقه مندی و استعداد دانش آموزان

۶- اولویت دادن به آموزش معلمان و اجرای برنامه هایی در جهت ارتقاء موقعیت معلمان و تعیین موقعیت آنان در جامعه و اتخاذ سیستم آموزشی واحد به عنوان الگوی راهنما

۷- تأکید بر اهمیت ارزیابی پیوسته و اصلاح روشها، سیاستها و برنامه های آموزشی

۸- جلوگیری از ارزیابی های انحصاری و مقطعی آموزشی به ویژه در میان دانش آموزان مقطع آموزش ابتدایی

۹- اولویت دادن به ارزیابی پیوسته نرخ مردودین و تجدیدیها، بررسی دلایل و ارائه طرح هایی در جهت رفع مشکلات مذکور

۱۰- ارائه برنامه های آموزش ابتدایی به کودکان سراسر کشور

۱۱- اتخاذ و اجرای برنامه های مورد نیاز جهت ثبت نام کلیه کودکان و تمرکز منابع و تسهیلات در جهت جبران کمبودهای مناطق محروم

۱۲- برقراری روابط همکاری با سازمانهای ذیربط، بسیج کلیه منابع و جلب توجه و مشارکت فعال دولت در جهت پرداختن به موضوعات فرهنگی، حمایتی، رفاهی و قانونی

۱۳- تربیت کادر آموزش ابتدایی مناطق محروم و دور افتاده از طریق گسترش موسسات و دانشگاههای تربیت معلم

مشکلات اصلی آموزش ابتدایی

از جمله مهمترین مشکلات مقطع آموزش ابتدایی می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- عدم کیفیت و انعطاف ناپذیری محتوی و متدهای آموزشی و نادیده انگاشتن خلاقیت، نظم، مسئولیت پذیری و انجام فعالیت های گروهی

۲- فقر اقتصادی و عدم تقبل هزینه های بالای آموزشی دانش آموزان توسط والدین و تأثیرات سوء آن بر آموزش فرزندان

- عدم تعهد والدین جهت گمارش کودکان رده های سنی ۱۰-۶ سال به مدارس ابتدایی به واسطه ضعف قوانین آموزشی کشور

۴- عدم صراحت موضوعات آموزشی و عدم هماهنگی موضوعات مذکور با الگوهای پیشرفت کشور در نتیجه فقدان هماهنگی میان آموزش و بازار کار

۵- ایجاد وقفه در کیفیت آموزش و روشها و تجهیزات داخلی به واسطه اعمال تغییرات سریع جهانی در زمینه توسعه علمی

مقدمه (کشور سوئیس)

سیستم تحصیلات سوئیس بوسیله فدرالیسم بصورت ۲۶ بخش مسئول مدارس توصیف می شود. تنوع سستم های تحصیلاتی گوناگون در تحصیلات اجباری مشهود است.

بر اساس این ۲۶ بخش، دو یا سه و یا چهار تیپ متفاوت در مدارس متوسطه مقدماتی برای پیدا کردن تواناییها وجود دارد. با این وجود سیستم تحصیلاتی سوئیس در حال تغییر است.

طی سالهای اخیر بخشها سیستم خودشان را بازسازی کرده و ساختار ملی در حال اصلاح شدن است. تقاضا برای تحصیل افزایش پیدا کرده و مدارس پاسخگوی تقاضای کار آموزان نیستند.

در مجموع ۱۱ موسسه تحصیلاتی وجود دارد و ۴ تا در بخش آلمانی زبان سوئیس، دو موسسه فدرال تکنولوژی در لوزان و زوریخ کاملاً بوسیله ایالت اداره می شوند. دانشگاه لوگونا در بخش ایتالیایی زبان سوئیس قرار دارد. مدارس خصوصی در سوئیس خیلی قدیمی اند و نقش مهمی در سیستم تحصیلی بازی میکنند. اولین مدارس خصوصی در شروع این قرن باز شدند.

امروزه حدود ۲۵۰ مدرسه خصوصی در سوئیس وجود دارد که به صد هزار شاگرد از ۱۰۰ ملیت مختلف سرویس میدهند. اکثر این موسسه حالت پانسیون داشته و کاملاً وسایل رفاهی را فراهم می سازند.

آموزش پایه

سن آغاز دوره: ۶ سال

سن اتمام دوره: ۱۵ سال

آموزش ابتدایی

مدت دوره: ۶ سال

بین مقاطع سنی ۶ تا ۱۲ سال

مدت دوره: ۵ سال

بین مقاطع سنی ۶ تا ۱۱ سال

مدت دوره: ۴ سال

بین مقاطع سنی ۶ تا ۱۰ سال

دیاگرام تحصیلی

دیاگرام ساده سیستم تعلیم و تربیت رسمی سوئیس

مهد کودک اجباری نیست (در خلال سالهای یک سال و سه سال)

آموزش پایه به دو دوره زمانی تقسیم می شود: تحصیلات ابتدایی بر حسب ایالت بین ۴ تا ۶ سال و تحصیلات مقدماتی متوسطه بین سه تا پنج سال طول می کشد. تحصیلات مقدماتی متوسطه بر حسب ایالت به دو یا سه طبقه متفاوت تقسیم می شود

در ایالات معینی، تربیت معلم برای سطوح پیش دبستانی، ابتدایی و مقدماتی متوسطه در سطوح تکمیلی متوسطه صورت می گیرد. معلمان جهت تدریس در سطوح متوسطه پیشرفته در تمام ایالات در مؤسسات تحصیلات عالی تربیت می شوند.

انواع مدارس

مدارس هتلداری

مدارس هتلداری سوئیس مشهورترین نوع درجهانند. این مدارس نه تنها واحدهای مدیریتی موفق و کاملی را ارائه می دهند بلکه دیگر دوره های مدیریتی مربوطه را نیز ارائه میکنند.

به جرات میتوان گفت که کارآمدترین مدیران هتلهای آسیایی یا رستورانها، فارغ التحصیلان مدارس هتلداری سوئیس می باشند.

مدارس شبانه روزی

مدارس شبانه روزی خصوصی مشهوری وجود دارند که برای دانش آموزان ۱۰-۲۰ ساله مناسبند. این مدارس تعلیمات اساسی و پایه ای برای ورود به دانشگاهها ارائه می دهند.

بسیاری از فارغ التحصیلان این مدارس به موفقیتهای عمده ای در زمینه های تجارت و سیاست نائل آمده اند.

مدارس زبان

آیا جای دیگر مناسب تر از سوئیس برای یادگیری زبان وجود دارد، چرا که کشور سوئیس در منطقه ای به مساحت ۴۱۳۰۰ کیلومتر مربع در مرز مشترک با کشورهای آلمان، فرانسه، ایتالیا و اتریش قرار گرفته است. جذابیت دیگری که وجود دارد اردوهای تابستانی و زمستانی هستند، آنها نه تنها دوره های تعلیمی با کیفیت بالا ارائه میکنند بلکه به کسب تجربه های جدید زیادی برای دانش آموزان منجر می گردند.

ویژگیها و مشخصه های آموزشی

نظام آموزشی سوئیس از ویژگی های بسیاری به شرح ذیل برخوردار است:

دو سوم نوجوانان کار آموزی را انتخاب می کنند.

درصد کمی از نوجوانان به مدارس تمام وقت مقطع تکمیلی متوسطه می روند.

درصد کمی از نوجوانان به دانشگاه می روند.

بخش آموزش عالی غیر دانشگاهی بسیار توسعه یافته است.

دیگر ویژگی بارز نظام آموزشی حرفه ای سوئیس، دوگانگی طرح هاست. بدین معنا که آموزش نوجوانان از یکسو در یک شرکت و از سوی دیگر در مدارس حرفه ای صورت می گیرد.

همین ویژگی بارز نظام سوئیس را از دیگر نظام های آموزشی جهان تفکیک می کند.

در دیگر نظامها، آموزش معمولاً در مدارس صورت میپذیرد. این دوگانگی ضامن پیوندی دائمی میان عمل و نظریه است زیرا این ترکیب بر مبنای هفتگی صورت میگیرد. مزایای اصلی این نظام را میتوان به سهولت از ویژگیهای بنیادین آن استنتاج نمود.

مزایای تحصیلی

سوئیس مزایای منحصر بفردی را تقدیم میکند. کیفیت مشهود سیستم تحصیلاتی، ثبات سیاسی، امنیت، کار آمدی، محیط پاک، و جامعه بین المللی سوئیس، موقعیت مرکزی آن، ثروت، چند زبانی و حضور تعداد زیادی از سازمانهای بین المللی در میان کشورهای عضو اتحادیه اروپایی کم نظیر است. از آنجائیکه برخی از مدارس خصوصی سوئیس از ۵۰ کشور مختلف دانش آموز دارند، مطالعات آنها را با دانش آموزان دیگر از سراسر دنیا هدایت می کند.

همه این مزایا سوئیس را به یک مکان عالی برای تحصیل با کیفیت بالا تبدیل میکند که یک پایه قوی برای آینده هر دانش آموزی خواهد شد. یکی از جنبه های بارز ارزش تحصیل بین المللی هدایت جوانان به فهم مطلب است. روح سالم در بدن سالم نیز جنبه مهم دیگری است که کلیه مدارس سوئیس تسهیلات ویژه و فرصتهای در زمینه اوقات فراغت، ورزش، هنر و مسافرتها فرهنگی در جهت نیل به آن فراهم می کنند.

تاریخ تحول سوئیس:

سرزمینی که امروزه آن را بنام سوئیس میشناسیم در گذشته های دور هلوتیا (HELVETIA) نام داشت. هلوتیا در سال ۵۸ قبل از میلاد به تصرف فاتحان امپراطوری روم درآمد و یکی از ایالات آن تمدن عظیم گشت. در سال ۳۹۵ میلادی با تجزیه امپراطوری روم، سوئیس قسمتی از روم غربی شد. در قرن پنجم، بوسیله اقوام ژرمن آلمانی و بورگونی فتح و اداره شد. در قرن ۶ قوم فرانک بر سوئیس مسلط گشت. در قرن نهم، به تصرف سوابیا و بورگونی علیا درآمد.

در سالهای ۱۰۳۳ سوئیس قسمتی از امپراطوری مقدس روم گردید و وحدت یافت و بعداً خاندانهای فنودال بر آن تسلط یافتند. در قرن ۱۳ عمده ترین این خاندانها، خاندان هابسبورگ و ساووا بودند.

در نتیجه تجاوز خاندان هابسبورگ به حقوق ملی در سال ۱۲۹۱، نواحی (کانتونهای) اوتروالدن، اوری و شویتس، یک اتحادیه دفاعی منعقد ساختند که اساس کنفدراسیون فعلی سوئیس است. این اتحادیه دفاعی منعقد ساختند که اساس کنفدراسیون فعلی سوئیس است. این اتحادیه در سال ۱۳۱۵ در ناحیه مورگاتن بر متجاوزان اتریشی (هابسبورگ) غلبه یافت و پس از الحاق نواحی لوسرن، زوریخ، تسوگ، گلاروس و برن به خود، اتریشها را در نواحی زمپاخ و نفلس (به ترتیب در سالهای ۱۳۸۶ و ۱۳۸۸) شکست کلی داد و دست خاندان هابسبورگ را از سوئیس کوتاه نمود. در قرن پانزدهم، سوئیس از لحاظ قدرت نظامی تبدیل به یکی از ممالک مقتدر اروپا گردید. سوئیسها پس از تصرف نواحی آرگاو، تورگاو و تیچینو، بر قوای امپراطوری مقدس روم پیروزی یافتند و امپراطور ماکسیمیلیان اول پادشاه وقت مجبور به رسمیت شناختن سوئیس در سال ۱۴۹۹ گردید. سوئیس طی سالهای ۱۵ - ۱۵۱۰ در جنگهای ایتالیا دخالت کرد و طی سالهای ۱۳ - ۱۵۱۰ با اخراج فرانسویان از ناحیه لومباردی، آن را به تصرف درآورد، ولی سرانجام در سال ۱۵۱۵ در ناحیه مارینیانو شکست خورده و با فرانسه پیمان صلح نواین را منعقد ساختند و از آن پس، سوئیس مقام خود را بعنوان یک قدرت مهم اروپایی از دست داد و سیاست بیطرفی پیشه کرد. اصلاح دینی که اولریش تسوینگلی در زوریخ، و ژان کالون در ژنو آن را تبلیغ می کردند، باعث جنگهای داخلی شد و وحدت، بمدت ۲ قرن از سوئیس رخت بریست.

سوئیسها طی جنگهای سی ساله (۴۸ - ۱۶۱۸) در اروپا، بیطرفی خود را حفظ کردند از اینرو در سال ۱۶۴۸ در پیمان صلح و ستفالی که در پایان جنگ منعقد شد، استقلال سوئیس به رسمیت شناخته شد. طی یک قرن ونیم (در قرون هفده و هجده)، حکومت کانتونهای سوئیس به دست طبقات ممتاز افتاد. در قرن هجدهم، سوئیس بکلی اهمیت سیاسی خود را در اروپا از دست داد ولی در عوض از لحاظ فرهنگی و مادی پیشرفتهای زیادی نمود. در دوره انقلاب فرانسه در اواخر قرن هجدهم، فرانسویان سرزمین سوئیس را تحت عنوان جمهوری هلوتیا جبراً متحد ساختند. این جمهوری وحدتی بیش از کنفدراسیون سست پیوند سابق داشت ولی در سال ۱۸۰۳ فرمان میانگیری ناپلئون، کنفدراسیون سابق را تجدید حیات داد. در سال ۱۸۱۵ در کنفرانسهای اروپایی وین و پاریس بیطرفی همیشگی به سوئیس اعطا شد. در دهه چهارم قرن نوزدهم، حزب رادیکال در سوئیس تأسیس گشت. در بیشتر کانتونها حکومت دموکراسی را برقرار کرد ولی کاتولیکها سر به مخالفت برداشتند و این امر موجب وقوع جنگ زوندربوند در سال ۱۸۴۷ گردید که با پیروزی رادیکالها پایان یافت و آنها در طی قانون اساسی سال ۱۸۴۸، اتحادیه سابق را به یک مملکت متحد تبدیل کردند و بدنبال آن سوئیس به سرعت به پیشرفتهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی فراوانی نائل آمد.

سوئیس در جنگ جهانی اول بیطرف ماند ولی با مواجهه با مشکلات فراوانی از لحاظ مواد غذایی و مواد خام گردید و به همین خاطر پیمانهای با آلمان و همچنین متفقین منعقد ساخت و تعهد کرد که کالاهای وارد شده از آنان را به هیچیک از طرفین متخاصم صادر نکند. در جنگ جهانی دوم نیز سوئیس بیطرف ماند. در همان جنگ متفقین اشتباهاً قسمتهایی از شمال سوئیس (بخصوص شافها وزن) را بمباران کردند. طی جنگ، سوئیس نماینده ۲۳ کشور متخاصم بوده و پس از جنگ نیز میعادگاه مذاکرات صلح گردید. در سالهای بعد از جنگ این کشور به پیشرفت های اقتصادی فراوانی نائل گردید و هم اکنون نیز شهرهای مهم آن مرکز چندین سازمان بین المللی هستند. تا قبل از سال ۱۹۷۹، سوئیس از ۲۵ مملکت متحد (۱۹ کانتون و ۶ نیم کانتون) تشکیل یافته بود که در این سال نیم کانتونها تبدیل به کانتون شده و ناحیه ژورانیز (که آلمان قسمتی از کانتون برن بود) تبدیل به یک کانتون مجزا گردید و بدینصورت تعداد تقسیمات کشوری سوئیس به ۲۶ رسید.

ملاحظات جغرافیایی

سوئیس با ۴۱،۲۹۳ کیلومتر مربع وسعت (صد و هجدهمین کشور جهان) در نیمکره شمالی، نیمکره شرقی، در مرکز قاره اروپا، بدور از دریای آزاد، در کوههای آلپ و در همسایگی کشورهای آلمان غربی در شمال، فرانسه در شمال غربی و غرب، ایتالیا در جنوب و اتریش و لیختن اشتاین در شرق واقع شده است. سوئیس یکی از کوهستانی ترین و مرتفع ترین کشورهای اروپا است. رشته کوه آلپ مهمترین رشته کوه آن است که حدود ۶۰٪ خاک سوئیس را در بر گرفته و پس از آن رشته کوه ژوار است که در غرب واقع شده است. جلگه های آن عمدتاً در نواحی شمالی واقع شده اند. از مهمترین رودهای آن میتوان از: راین، آر، رون و این نامبرد. جنگلها در آن وسعت زیادی دارند. دریاچه های آن فراوان بوده از جمله: ژنو (۵۸۲ کیلومتر مربع)، مادجوره (۲۱۲ کیلومتر مربع)،

بادن و زوریخ. آب و هوای آن معتدل کوهستانی همراه با بارندگی فراوان است. بلندترین نقطه آن قله دوفواشپیتسه با ۶۳۳، ۴ متر ارتفاع بوده و رود آن آر (۲۹۵ کیلومتر) نیز طولترین رود آن پس از رود راین می باشد.

ملاحظات سیاسی

حکومت سوئیس جمهوری بوده و قدرت اجرایی در اختیار شورای فدرال که شامل ۷ نفر و بمدت ۴ سال توسط مجلس فدرال انتخاب میشوند میباشد. هر ساله از بین اعضاء این شورا یک رئیس جمهور و معاون انتخاب میشود. شورای مزبور که اعضایش گرداننده هفت وزارتخانه دولت میباشد قدرت اصلی اجرایی مملکت را در اختیار دارد. قوه مقننه از مجلس فدرال شامل مجلسین شورای ایالات با ۴۶ عضو با دوره نمایندگی ۳ یا ۴ سال و شورای ملی با ۲۰۰ عضو با دوره نمایندگی ۴ سال تشکیل یافته است. قانون اساسی موجود در سال ۱۸۴۸ تدوین شده و در سال ۱۸۷۴ اصلاحاتی بر آن افزوده گردیده است. براساس آخرین تقسیمات کشوری سوئیس از ۲۶ ایالت (یا کانتون) تشکیل یافته که هر کدام زیر نظر نمایندگان قانونگذار منتخب مردم اداره شده و هر یک به بخشهای کوچکتری (COMMUNE) تقسیم می شوند. کنفدراسیون سوئیس که در سال ۱۲۹۱ ایجاد شد از سال ۱۸۴۸ به دولتی فدرال مبدل شده است که ۲۶ منطقه نسبتاً خودمختار را در خود جای میدهد. این مناطق، خود به شهرهایی (کلاً در حدود ۳۰۰۰ شهر) تقسیم میشوند که به نوبه خود تا حدودی از خود مختاری برخوردارند. اصل مردم سالاری مستقیم در قانون اساسی فدرال تصریح شده است که حتی در سطوح منطقه ای و شهری نیز اعمال می شود. رأی دهندگان مکرراً حقوق قانونی خویش را از طریق انتخاب نمایندگان یا رأی دادن به حق قانونگذار عمومی یا همه پرسی اعمال می کنند. مرکززدائی و مردم سالاری مستقیم که از ویژگیهای نظام سیاسی و آموزشی است به حوزه های نظامی نیز بسط یافته است.

در سطح فدرال، پارلمان (مجلس فدرال) از ۲ مجلس با اختیاراتی برابر تشکیل میشود. مجلس شورای ملی (۲۰۰ عضو) و شورای مناطق (۴۶ عضو)

شورای فدرال از ۷ عضو تشکیل میشود که به مدت ۴ سال توسط مجلس فدرال انتخاب می شوند و هر ساله یکی از اعضای مجلس فدرال با حفظ سمت به عنوان رئیس جمهور کنفدراسیون انتخاب میگردد. اساساً سازمان سیاسی اداری مناطق (یا ایالات) مشابه سازمان کنفدراسیون است که قوه مقننه، مجریه و قضائیه از خود مختاری مالی و اعتباری برخوردارند. ساختارها از یک منطقه تا منطقه دیگر به دلیل، رشد اقتصادی و بویژه بزرگی منطقه تفاوت قابل ملاحظه ای دارند. به عنوان مثال جمعیت منطقه ای زوریخ ۷۹ برابر جمعیت منطقه ای آپن زل اینر رودس است.

فعالیت احزاب در سوئیس آزاد بوده و احزاب مهم آن عبارتند از:

• سوسیال دموکرات

• رادیکال دموکرات

• دموکرات مسیحی

• حزب خلق سوئیس

• لیبرال دموکرات

• حزب کار (کمونیست)

• جمهوریخواه

کشور سوئیس در سال ۱۶۴۸ مستقل شده و روز ملی آن اول اوت است.

این کشور در سازمانهای افتا، شورای اروپا، سی سی دی، آیسف، اساف، فائو، گات، یا آآ، ایکائو، ایدب، کمیته بین المللی صلیب سرخ، ایلو، ایمکو، اینتلسات، ایتو، اوآسی دی، اونکتاد، یونیدو، آندپ، یونسکو، یونیسف، ویپو، ومو، یونیتار، آنروا، یوپو، و هو، و فپ و رابطه بازرگانی با جامعه اقتصادی اروپا عضویت دارد.

ملاحظات اقتصادی

واحد پول آن فرانک سوئیس (SFr) معادل ۱۰۰ رایین یا ۱۰۰ ساتیم است که هر ۲/۰۴ فرانک معادل ۱ دلار است. میزان تولید ناخالص ملی در سال ۱۹۷۸ حدود ۵۹/۹ میلیارد دلار بوده (درآمد سرانه ۴۳۹،۹ دلار) که ۴۷٪ آن از صنایع، ۷٪ از کشاورزی و ۴۶٪ از تجارت و خدمات بدست میآید.

نرخ سالانه رشد تولید ناخالص ملی حدود ۱/۰٪ است.

درآمد بودجه ملی در سال ۱۹۷۹ در حدود ۸/۲ میلیارد دلار و هزینه های آن معادل ۹/۶ میلیارد دلار بوده است. واردات سوئیس در سال ۱۹۸۰ حدود ۳۶/۴ میلیارد دلار بوده که بیشتر شامل:

مواد شیمیایی، نفت خام، ماشین آلات، وسائط نقلیه و موتورهای، قالی و البسه است و اکثراً از کشورهای آلمان (۲۹٪)، فرانسه (۱۲٪)، ایتالیا (۱۹٪) و آمریکا (۸٪) وارد میشود.

میزان صادرات این کشور حدود ۳۰ میلیارد دلار است.

عمده محصولات صادراتی ماشین آلات، ساعت، مواد شیمیایی، منسوجات، و اشیاء لوکس است که عمدتاً به کشورهای آلمان (۱۸٪)، فرانسه (۹٪)، ایتالیا (۷٪) و آمریکا (۷٪) صادر میشود.

مهمترین صنایع کشور عبارتند از: ماشین آلات، شیمیایی، ساعت سازی، ذوب آهن، الکتریکی، اشیاء لوکس، پارچه، لوازم خانگی و غذایی، حبوبات، غلات، سیب زمینی، میوه سبزیجات، توتون، لبنیات، و شراب نیز مهمترین محصولات کشاورزی و دامپروری آن کشور را تشکیل داده و سرانه زمین مزروعی برای هر نفر بالغ بر ۰/۰۴ هکتار میباشد تولید سالانه گوشت گاو ۱۵۰ هزار تن و گوشت خوک ۲۶۳،۰۰۰ تن میباشد. تولید سالانه نیروی الکتریسیته نیز معادل ۴۴/۱۲ میلیارد کیلووات ساعت است. توربینهای آبی در ایجاد نیروی الکتریسیته نقش مهمی را در سوئیس ایفا میکند. معادن مهم سوئیس عبارتند از: آهن، سرب و روی، مس، طلا، نقره و نمک.

توان اقتصادی از یک منطقه تا منطقه دیگر به میزان قابل ملاحظه ای تغییر میکند.

در نتیجه کنفدراسیون و مناطق باید یک نظام جبران سازی (یارانه ها، طرحهای توسعه محلی یا منطقه ای) و یکسان سازی مالی را اجرا کنند. سوئیس هیچگونه منابع طبیعی نداشته و اقتصادش به میزان زیادی به دیگر کشورها وابسته است. طبق آمار سال ۱۹۹۳، ۵۷٪ صادرات به کشورهای اتحادیه اروپا و ۷۳٪ واردات نیز از همین کشورها صورت گرفته است.

آموزش ابتدائی سوئیس

ساختار آموزشی

در ۲۰ منطقه سوئیس آموزش ابتدائی ۶ سال در چهار منطقه ۵ سال و در دو منطقه ۴ سال طول می کشد. میانگین سن کودکان در پایان آموزش ابتدائی خود ۱۲ سال و هفت ماه است.

ساختار آموزش ابتدائی در سراسر سوئیس یکسان است. به استثنای کلاس های خاص جبرانی، هیچ مدل و تفاوتی به چشم نمیخورد. آموزش ابتدائی برای کلیه کودکان از جمله کودکان خارجی اجباری و رایگان است. سوای چند استثناء در مدارس ابتدائی هیچگونه گروه بندی وجود ندارد.

بزرگی مدارس ابتدایی، از مدارس یک کلاس در روستاهای دورافتاده تا مدارس شهرهای بزرگ با چند صد دانش آموز متغیر است. برخی از کلاسهای مدارس ابتدایی زیرمجموعه ای از دانشسرای تربیت معلم است. ساختمان مدرسه ابتدایی غالباً بخشی از مجتمع مدرسه است که کودکان و یا دبیرستان مقدماتی را دربرمیگیرد. در سراسر سوئیس سال اول مدرسه ابتدایی به طور متوسط، هر روز ۳ و سه چهارم ساعت و هر هفته ۲۰ جلسه را شامل میشود. اما در سال ۵ تا ۶ کودکان در هر روز ۵ و یک چهارم ساعت و هر هفته ۳۴ تا ۳۶ جلسه درس دارند.

کودکان معمولاً ظهر به خانه میروند اگر محل زندگی آنان از مدرسه خیلی دور باشد. شهرداری مربوطه تغذیه مدرسه ای را سامان داده و بر آن نظارت خواهد کرد. طی چند سال گذشته، کودکان بویژه در مناطق شهری تمایل بیشتری به صرف نهار در مدرسه داشته اند.

برنامه های آموزشی

برنامه درسی توسط مقامات منطقه ای تعیین میشود. در برخی از بخشهای سوئیس برنامه درسی مشترکی پذیرفته شده است. هر منطقه برای دروس جداگانه ای یا مجموعه ای از دروس، برنامه های خاص خود را دارد که به موجب آن برنامه سالیانه تدوین میگردد. عناصر اصلی، اهداف برنامه است کادر آموزشی در تعیین محتوای برنامه درسی زبانهای خارجی و برخی وجوه زبان مادری از استقلال زیادی برخوردار است. آزادی انتخاب در روشهای تدریس از طریق اهداف مقرر تضمین میشود. در مقطع ابتدایی معلم کلاس کلیه دروس را تدریس میکند اما میتواند از یاری معلمان متخصص نیز برخوردار شود. تدریس پاره وقت یا شغل شراکتی در بسیاری از مناطق میسر است. هر منطقه از اختیار کامل برای تعیین مطالب آموزشی اجباری یا اجباری برخوردار است. این مطالب توسط خود منطقه یا در همکاری با دیگر مناطق تدوین می شود و می تواند مشترکاً با دیگر مقامات درون یک ناحیه تنظیم گردد.

ارزیابی تحصیلی

در بیشتر مناطق ارزیابی کادر تحصیلی با استفاده از نظام نمرات اعمال میشود. دانش آموزان سه بار در سال کارنامه ای دریافت میکنند که نمره هر درس را دارد. معدل پایان سال تحصیلی مدارک ارتقاء موقتی یا دائمی دانش آموز به کلاس بالاتر است.

در این نظام تصمیم به ارتقاء دانش آموزان بر مبنای نتایج امتحانات آخر سال صورت نمیگیرد بلکه بر حسب ارزیابی عملکردها در خلال سال انجام میشود.

طی سالهای پیشین، بسیاری از مناطق نظام نمرات را در چند سال نخست مدرسه ابتدایی منسوخ کردند. در عوض در سالهای نخستین کارنامه های ادواری و جلسات ارزیابی وجود دارد.

در تمام مناطق مقرراتی هست که تجدید دوره دانش آموز را میسر میکند. این مقررات به طرق مختلفی اعمال می شود. اگر پس از تجدید دوربخت موفقیت دانش آموزی کم شود، غالباً مقرر میگردد که دانش آموز به یک کلاس خاص منتقل شود. این تصمیم توسط والدین در معیت معلم، بازرس و دایره روان شناسی مدرسه اتخاذ می شود. با این همه گرایش کنونی به سوی جذب کودکان کند تر در کلاس های طبیعی متمایل است.

کادر آموزشی

در حال حاضر در اغلب مناطق معلمان مدارس ابتدایی در دانشسراهای تربیت معلم آموزش می بینند، جایی که بلا فاصله پس از پایان تحصیلات اجباری و به شرط موفقیت در امتحان ورودی می توان در آن ثبت نام کرد. در برخی مناطق معلمان باید مدرک فارغ التحصیلی مدرسه را به دست آورند و سپس در موسسه ای وابسته به دانشگاه یا در دانشسرای تربیت معلم آموزش ببینند. مدرک آموزشی آنها یک مدرک دانشگاهی نیست. دوره دانشسرای تربیت معلم معمولاً پنج سال طول می کشد. معلمان آینده نه تنها به لحاظ دانش و مهارت های حرفه ای بلکه به لحاظ شخصیت اخلاقی روانی و فکری نیز ارزیابی می شوند. دوره آموزشی آنها شامل آواز، موسیقی، هنر و ژیمناستیک است. تدریس عملی نیز یکی از اجزاء همیشگی آموزش آنهاست.

شرایط اشتغال و درآمد معلمان در مناطق مختلف متفاوت است .

نرخ تعداد دانش آموزان و مدارس ابتدایی طی سال تحصیلی ۱۹۹۵-۱۹۹۴

۴۳۷۴۰۰	دانش آموزان
۲۰	میانگین ظرفیت هر کلاس
۲۶۶۰۰	تعداد معلمان
۱۵,۳	تعداد دانش آموزان هر معلم (۱)
۱۸,۷	درصد دانش آموزان خارجی (۲)
۶۴۰۰	تعداد مدارس (۳)

۱ - آمار سال ۱۹۹۴-۱۹۹۳ تنها مدارس دولتی از جمله مدارس استثنایی

۲- تعداد کودکان خارجی عامل مهمی است زیرا این رقم نسبتاً بالاست و الزامات آموزشی تربیتی در پی دارد .

۳ - مطابق پیمایش مدارس در سال ۱۹۹۱ تعداد موسسات تنها نظام تحصیلی اجباری را در بر میگیرد که به خاطر ساختار آموزشی و اطلاعات موجود است . این رقم هر ساختمان یا بخشی از ساختمان را شامل می شود که در آن حداقل هفته ای ۲۰ جلسه تدریس می شود .

مقایسه دو کشور ایران و سوئیس

انیشین

« دانش آموزان را تشویق کنید که دستیابی به موفقیت های مرسوم را هدف زندگی خود قرار دهند زیرا در تگرش کنونی جامعه ، معمولاً کسانی را موفق می دانند که بتوانند بیشتر از هم نوعان خود جلو بیفتند ... »

کشور سوئیس بر خلاف کشور ایران فاقد وزارت آموزش و پرورش می باشد و تعلیم تربیت عمومی در هر ایالت بر عهده همان ایالت است ، در همین راستا ساختار و سازمان دهی آموزشی در هر ایالت متفاوت است و تمام این آموزشها توسط موسسه ای به نام موسسه تکنولوژی فدرال زیر نظر دولت مورد ارزیابی قرار می گیرد . در این کشور تعداد متنوعی از مدارس دولتی و خصوصی وجود دارد ولی دانش آموزان بیشتر تمایل دارند و در کشور ما ایران نیز انواع مدارس و مراکز آموزشی موجود می باشد که شامل مدارس دولتی و غیر دولتی و مدارس اقلیتی و تربیت معلم و ... وجود دارد که مخاطبان خاص خود را می طلبد و هر کس بسته به توانایی خود در این مدارس ثبت نام می کند.

آموزش ابتدایی در ایران مشتمل بر دوره آموزشی پنج ساله ویژه کودکان رده های سنی شش تا یازده سال می باشد حال آنکه تحصیلات ابتدایی در سوئیس از هفت سالگی آغاز می شود و بسته به هر ایالت مثلاً شش سال در ۴ منطقه پنج سال در ۲ منطقه ۴ سال طول می کشد و میانگین سن در پایان آموزش ابتدایی در سوئیس ۱۲ سال و هفت ماه و در ایران حدوداً ۱۱ سال می باشد.

ساختار آموزشی در کشور ایران و تمامی مناطق آن یکسان و در کشور سوئیس یکسان بوده به استثنای کلاسهای خاص جبرانی و هزینه های آن چه برای کودکان کشور خود و چه مودکان خارجی اجباری و رایگان می باشد.

ارزیابی در بیشتر مناطق سوئیس با استفاده از نظام نمرات اعمال می شود.

دانش آموزان سه بار در سال کارنامه دریافت می کنند. نمره در هر درس درج می گردد و معدل پایان سال تحصیلی دلیلی بر ارتقاء تحصیلی به پایه بالاتر می باشد و در کشور ایران نیز ارزیابی درسی با اعمال نمرات صورت می گیرد و دو بار در سال به دانش آموزان کارنامه ارائه می گردد.

برنامه های آموزشی درسی توسط مقامات منطقه ای تعیین می شود و در برخی از بخشهای سوئیس برنامه درسی مشترکی پذیرفته شده است. هر منطقه ای برای دروس جداگانه ای یا مجموعه ای از دروس، برنامه های خاص خود را دارد که به موجب آن برنامه سالانه تدوین می گردد اما تعیین برنامه آموزشی در کشور ایران تحت نظر دولت و توسط وزارت آموزش و پرورش تعیین می گردد و محتوای این برنامه برای کل کشور ایران عمومی می باشد.

چند راهکار برای بهبود آموزش و پرورش ایران

«مقاله حاضر سعی براین داشته تا راهکارهایی عملی برای بهبود آموزش و پرورش ایران ارائه دهد تا با نظر به این گفته بتوان جایگاه واقعی کشور ایران را شناخت»

۱- از جمعیت دانش آموزی فعلی کشور ایران و تحقیقات محقق این مقاله چنین برمی آید که در سال ۱۴۰۶ در ایران حدود ۱۰۰هزار نفر هوش در سطح عالی وجود خواهد داشت و هم اینک در اختیار و تحت تربیت و تعلیم وزارت آموزش و پرورش هستند که توجه به این سرمایه مهم و به فعلیت رسانیدن این نیروی عظیم انسانی می تواند جایگاه کشور ایران را تا سرحد کشورهای پیشرفته علمی بالا برد و دستیابی به این امر نگاه عمیق مسئولان را می طلبد.

۲- مطالعه تطبیقی در مورد آموزش و پرورش جهان و گرفتن الگوی مناسب از آنان و نادیده نگرفتن فعلیت های خود.

۳- جذب معلمان با مهارت و مکانیسم هایی که طی آن معلمان مناسب تر به مراکز آموزشی جذب گردند.

۴- وجود برنامه های مدون و منظم در آموزش ابتدایی و تناسب محتوا با مخاطبان .

۵- ارائه برنامه های درسی بومی هر منطقه با توجه به فرهنگ، امکانات و طبیعت آن منطقه.

۶- ارائه روشهای تدریس مناسب و برگزاری دوره های مختلف آموزشی برای معلمان برای بالا بردن هرچه بیشتر مهارت آنان و بهبود امکانات و تجهیزات مدارس این کشور برای همگامی بیشتر با تکنولوژی عصر حاضر. موآم

منابع :

1- <http://www.aftab.ir/articles1> - سایت اینترنتی به نشانی :

2- <http://suisseandme.persianblog.ir> - سایت اینترنتی به نشانی :

3- <http://www.arzeshyabi.blogfa.com> - سایت اینترنتی به نشانی :

4- <http://shz1.farsedu.ir> - سایت آموزش و پرورش ناحیه یک شیراز به نشانی :

۵ - سایت دبیرخانه شورای انقلاب فرهنگی به نشانی ذیل : <http://www.iranculture.org>

6 - آقازاده / احمد / آموزش و پرورش تطبیقی / ۱۳۸۱ تهران / سمت

7 - الماسی / علی محمد / آموزش و پرورش تطبیقی / ۱۳۷۵ تهران / رشد

8 - یمنی دوزی سرخایی / محمد / آموزش و پرورش تطبیقی / ۱۳۸۰ تهران / سمت

از ویکی پدیا / دانشنامه آزاد - ۹